

مالیات جهانی: مفهوم و ارزیابی

سعیدرضا ابدی*
محمد مهدی شیرازی**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۲

چکیده

توماس پیکتی با طرح ایده مالیات جهانی، موجب شکل‌گیری مباحث و نظریات مختلفی شده است. پیکتی با فرض نابرابری میان نرخ بازده سرمایه و نرخ رشد اقتصادی، بر این عقیده است که سهم سرمایه از درآمد ملی در حال افزایش است و باید برای این موضوع راهکاری ارائه کرد؛ در نتیجه ایده مالیات جهانی را ارائه کرده است. ما در این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، در پی بیان مفهوم مالیات جهانی از منظر توماس پیکتی، انتقادات از نظریه وی و بررسی نحوه اجرای آن هستیم. نتیجه حاصل از بحث این است که مالیات جهانی برای وارد شدن به عرصه اجرا نیازمند پاسخ‌گویی به معضلاتی از قبیل فقدان یک توافق همگانی، فقدان ضمانت اجرای بین‌المللی لازم، وجود بهشت‌های مالیاتی، عدم امکان تقسیم مالیات اخذ شده در جهان به‌نحو منصفانه، شمول یا عدم شمول مالیات جهانی بر معاملات مالی دولت‌ها و عدم کفایت مالیات جهانی برای دسترسی به برابری در صورت فقدان سایر شرایط برابری‌ساز، است.

کلیدواژه‌گان:

مالیات جهانی، توماس پیکتی، حقوق عمومی اقتصادی، سرمایه، توسعه.

* دانشیار، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

s_abadi@sbu.ac.ir

** دانشجوی دکتری، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.



Copyright: ©2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

دسترسی به عدالت اجتماعی سالیان درازی است که ذهن انسان را به خود مشغول می‌دارد. عدالت اجتماعی به‌عنوان پیش‌زمینه و لازمه بهره‌مندی از آزادی، نقش مهمی در زندگی انسان ایفا می‌کند. چه آزادی به‌عنوان هدف غایی انسان تعریف شود و چه عدالت اجتماعی را، از تأیید این موضوع ناگزیریم که انسان برای دسترسی به عدالت اجتماعی باید چاره‌ای بیندیشد. شاید بتوان معروف‌ترین چنین اندیشه‌هایی را در طرز نگرش مارکس و پیروان او پیدا کرد که از طریق انقلاب و توسل به طبقه پرولتاریا و با شعار «کارگران جهان متحد شوید!»^۱ در پی دسترسی به وضعیتی بودند که هرکسی قادر باشد از آزادی واقعی بهره‌مند شود؛ یعنی اوضاع مادی جهان به‌گونه‌ای رقم بخورد که سلطه‌ای از سوی هیچ‌کس بر دیگری موجود نباشد و در این فرایند، آزادی برای انسان به‌نحو احسن و اکمل ایجاد شود.

توماس پیکتی، که از وی به‌عنوان مارکس قرن حاضر یاد می‌شود، دیدگاهی نه‌چندان مشابه با دیدگاه‌های مارکس ولی همسو با آنها ارائه داشته است. اگر بتوان دیدگاه مارکس را در یک ترکیب واژگانی خلاصه کرد، این ترکیب چیزی نیست جز «عدالت اجتماعی». نظریه ارائه‌شده از سوی پیکتی، که موجب اشتها وی نیز شده است، جدای از این ترکیب نیست. این اقتصاددان فرانسوی در کتاب «سرمایه در قرن بیست و یکم»^۲ (۲۰۱۳) خود ایده‌ای را بیان کرد که نتیجه‌ای بود از حضور او در کشور ایالات متحده آمریکا به‌عنوان یک استاد دانشگاه. نکته جالب اینکه، این ایده از مشاهده وقایع ملموس در آمریکا شروع و به کشورهای اروپایی تعمیم داده شد و در نهایت منجر به شکل‌گیری ایده نهایی شد، ولی محیط اجتماعی بستر این ایده - یعنی کشور آمریکا - با ادعای حمایت از آزادی و اولویت دادن به آن، شناخته می‌شود. چه‌بسا از بستر چنین فضای ظاهراً آزادی است که نظریه این اندیشمند می‌تواند شکل بگیرد.

پیکتی با طرح نظریه خود درخصوص «مالیات جهانی»^۳ وضع یک مالیات یکسان در سطح جهان بر دارایی‌ها را ضروری می‌داند. از نظر او، جهان در حال گذار به سمت تفاوت سطح درآمدی و در نتیجه تفاوت در فاصله میان سرمایه‌داران و سایر انسان‌هاست. برای اینکه چنین فاصله‌ای

1. Workers of the world, unite! You have nothing to lose but your chains!

2. Capital in the Twenty-First Century

3. Global Taxation

بتواند کاهش یابد، ضروری است که راهکاری اتخاذ شود و آنچه این اقتصاددان پیشنهاد می‌کند، ایده مالیات جهانی است. در این نظریه، از طریق مالیات جهانی قادر خواهیم بود فاصله ایجادشده در جهان در طی سالیان انفعال (نسبت به مالیات جهانی) را کاهش داد و نه به سمت تساوی کامل بلکه به سمت کاهش فاصله سرمایه‌داران و سایرین حرکت کرد.

در حال حاضر این پرسش که نظریه پیکتی، قابلیت طرح و اجرا در سطح جهانی را داراست یا خیر، می‌تواند یکی از چالش‌برانگیزترین پرسش‌های مطرح در مقابل این نظریه باشد. در پژوهش‌های صورت‌پذیرفته نسبت به نظریات وی که عموماً از منظر اقتصادی و نه حقوقی به آن نگریسته شده است، اصولاً با دیدگاه‌های انتقادی مواجه نیستیم؛ بلکه اغلب با پذیرش این نظریه اقتصادی، نسبت به تحلیل سایر امور مربوط به اقتصاد پرداخته شده است. در سطح بین‌المللی نیز نظریاتی که بر این اساس ارائه شده‌اند، با پذیرش ایده پیکتی، انتقاداتی نیز نسبت به نتایج حاصل از آن مطرح می‌کنند یا اینکه از اساس با آن مخالفت می‌ورزند، لیکن پژوهشی درخصوص اینکه آیا این نظریه با توجه به قواعد حقوقی و شرایط موجود بین‌المللی، قابلیت اجرا دارد یا خیر، صورت‌نپذیرفته است. در این مقاله در پی بررسی این موضوع و تشریح ملاحظات لازم برای اجرایی شدن این نظریه در سطح جهانی هستیم.

با این توضیحات، ابتدا به طرح و توضیح نظریه توماس پیکتی که اصولاً نظریه‌ای اقتصادی و نه حقوقی است، می‌پردازیم تا مفهوم مالیات جهانی و پیش‌فرض‌های ضروری برای چنین ایده‌ای و هدف‌هایی که از این ایده انتظار می‌رود، درک شود. در مرحله بعدی، به برخی انتقادات که از نظریه پیکتی به عمل آمده نظر می‌افکنیم و در نهایت سعی بر بررسی مرحله اجرای مالیات جهانی خواهیم داشت.

۱. تبیین مفهوم مالیات جهانی

توماس پیکتی بحث اصلی خود درخصوص مالیات جهانی را در کتاب «سرمایه‌داری در قرن بیست و یکم» تشریح کرده است. وی در این کتاب با استناد به آمارهای موجود در کشورهای اروپایی و آمریکایی درخصوص افزایش سرمایه و گسترش سرمایه‌داران و فاصله گرفتن سرمایه آن‌ها از سایر مردمان صحبت می‌کند. او با نوشتن این کتاب کوشیده است علت بدهی دولت‌ها را

توضیح دهد.^۱ ما در این بخش برای آشنایی اولیه با این مفهوم، ابتدا به تبیین اقتصادی آن می‌پردازیم تا این مفهوم که ذاتاً ریشه در علم اقتصاد دارد، به‌نحو مطلوبی تشریح شود و سپس به تبیین حقوقی آن خواهیم پرداخت تا موضع حقوقی پژوهش نیز مشخص گردد.

۱.۱. تبیین اقتصادی مفهوم مالیات جهانی

۱.۱.۱. نخستین قانون یا قاعده بنیادین سرمایه‌داری

پیکنی ابتدا برای توضیح مفهوم مدنظر خود، تعریفی از سرمایه ارائه می‌کند. به نظر وی، «مجموع بازده تولید و درآمدهایی که از آن به‌دست می‌آید را روی هم می‌توان به‌عنوان مجموع درآمد حاصل از سرمایه و درآمد حاصل از کار تجزیه و تقسیم کرد».^۲ همچنین توضیح می‌دهد که «برای ساده‌تر کردن متن، ما واژه‌های «سرمایه» و «ثروت» را مانند واژه‌های کاملاً مترادف، به‌جای یکدیگر به کار می‌بریم».^۳ سپس این ایده را پیشنهاد می‌کند که «ما «ثروت ملی» یا «سرمایه ملی» را به‌عنوان ارزش کل همه آنچه ساکنان و دولت یک کشور در یک نقطه زمانی معین در مالکیت دارند، تعریف می‌کنیم».^۴

«برای فهم نظریه پیکنی، باید به مفاهیم کلاسیک علم اقتصاد، رجعت کرد».^۵ او با استفاده از روابط بالا، ادراک خود از قوانین یا همان قواعد بنیادین اول و دوم سرمایه‌داری را بیان و سپس نتیجه و برآیند این اصول را بیان می‌کند و در نهایت به ایده مالیات جهانی می‌رسد. بدین‌منظور ابتدا به تشریح این قواعد بنیادین و سپس به ذکر رابطه نابرابری موجود از منظر او و در نهایت نتیجه‌گیری‌اش از مفاهیم مذکور می‌پردازیم.

۱. رستمی، ولی، فاطمه محمدی و مسعود رنجبر، «بررسی حقوقی نقش مالیات بر توسعه سیاسی و دموکراسی»، نشریه مطالعات حقوق عمومی، د. ۴۷، ش. ۳، ۱۳۹۶، ص. ۶۱۴.

۲. پیکنی، توماس، سرمایه در سده بیست و یکم، ترجمه زرافشان، ناصر، چ ۴، تهران: موسسه انتشارات نگاه، ۱۴۰۱، ص. ۷۳.

۳. همان منبع، ص. ۷۵.

۴. همان منبع، ص. ۷۶.

5. Milanovic, Branko, "The Return of "Patrimonial Capitalism": A Review of Thomas Piketty's Capital in the Twenty-First Century", *Journal of Economic Literature*, Vol. 52, No. 2, 2014, p. 521.

«پیکتی براساس یک مدل رشد استاندارد استدلال می‌کند که الگوهای تمرکز ثروت و درآمد به‌وسیله تفاوت واقعی در بازده سرمایه و نرخ رشد تعریف می‌شوند».^۱ به نظر وی، «بین نسبت سرمایه به درآمد، با آن بخشی از درآمدها در درآمد ملی که از محل سرمایه حاصل شده است، خیلی ساده در فرمول ذیل رابطه برقرار می‌شود»:^۲ کسر «سرمایه ملی» نسبت به «درآمد ملی» اگر در «نرخ بازگشت سرمایه» ضرب شود، «سهم سرمایه از درآمد ملی» را به دست می‌دهد. این معادله «می‌تواند برای همه جوامع در همه ادوار تاریخی به کار رود».^۳

همچنین «نرخ بازده سرمایه مفهوم اصلی و محوری در بسیاری از نظریه‌های اقتصادی، به‌ویژه تجزیه و تحلیلی مارکسیستی با گرایش نزولی نرخ سود است».^۴ این بیان به این معناست که در دیدگاه‌های مارکسیستی با کاهش نرخ بازگشت سرمایه، سهم سرمایه از درآمد ملی کاهش می‌یابد و از آنجاکه درآمد ملی یک عدد ثابت^۵ و حاصل جمع درآمد سرمایه و درآمد حاصل از کار است، سهم درآمد حاصل از کار افزایش می‌یابد. البته این موضوعی است که می‌تواند به‌عنوان چالش اصلی میان پیکتی و تحلیل‌های مارکسیستی مطرح شود؛ چراکه این اقتصاددان با استفاده از اصل دوم سرمایه‌داری و بیان قاعده نابرابری، موضوعی مخالف ادعای مارکسیست‌ها را بیان می‌کند.

۱.۱.۲. دومین قانون یا قاعده بنیادین سرمایه‌داری

پیکتی در پاسخ به این سؤال که «آیا برای نسبت سرمایه به درآمد یک سطح تعادل وجود دارد یا نه و اگر وجود دارد این سطح تعادل چگونه تعیین می‌شود؟» می‌گوید: «برای پاسخ دادن به این پرسش‌ها کار را با ارائه قانون پویایی آغاز می‌کنیم که به ما امکان می‌دهد نسبت سرمایه به درآمد در یک نظام اقتصادی را با نرخ پس‌اندازها و نرخ‌های رشد آن اقتصاد به هم ربط

۱. سرخوش‌سرا، علی، خدیجه نصرالهی، کریم آذربایجانی و رسول بخشی دستجردی، «تحلیل عوامل مؤثر بر نابرابری درآمدی در ایران در چارچوب دیدگاه‌های توماس پیکتی: رویکرد خودتوضیح برداری ساختاری»، فصلنامه علمی پژوهشی رشد و توسعه اقتصادی، د. ۱۰، ش. ۳۹، ۱۳۹۹، ص. ۳۱.

۲. همان منبع، ص. ۸۲.

۳. کازرونی، علیرضا، حسین اصغرپور و سیروان طیبی، «تأثیر رشد کند اقتصادی بر نابرابری توزیع درآمد: با تأکید بر فرضیه توماس پیکتی»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، د. ۲۰، ش. ۱، ۱۳۹۹، ص. ۳۶.

۴. پیکتی، توماس، منبع پیشین، ص. ۸۳.

۵. پیکتی در فصل پنجم کتاب خود می‌گوید: «به نظر نمی‌رسد ارزش کل موجودی سرمایه که بر حسب سال‌های درآمد ملی اندازه‌گیری و بیان می‌شود، در چشم‌انداز بسیار بلند زمانی واقعاً تغییر کرده باشد» (همان منبع، ص. ۲۳۷).

دهیم».^۱ در این قانون گفته می‌شود: «در بلندمدت «نسبت سرمایه به درآمد» به صورت ساده و شفاف با «نرخ پس اندازها» و «نرخ رشد»... ارتباط پیدا می‌کند».^۲ با این توضیح می‌توانیم بگوییم «سهم سرمایه از درآمد ملی» مساوی است با کسر «نرخ پس انداز سالیانه» نسبت به «متوسط نرخ رشد» که در «نرخ بازگشت سرمایه»، ضرب می‌شود. «پیکتی با ارائه قانون‌های بنیادین سرمایه‌داری در نهایت، به این نتیجه می‌رسد که اگر نرخ بازدهی سرمایه در یک دوره زمانی طولانی، بالاتر از نرخ رشد اقتصادی باشد، نابرابری درآمدی افزایش می‌یابد».^۳

۱.۱.۳. رابطه نابرابری

«مدل توماس پیکتی، به شکلی حیاتی به بزرگ‌تر بودن نرخ بازده سرمایه نسبت به نرخ رشد وابسته است»؛^۴ چه اینکه «در عمل، نرخ بازده سرمایه بر حسب نوع دارایی و همچنین حجم و اندازه ثروت‌های فردی ارقام بسیار متفاوتی دارد (اگر کسی کار را با سرمایه شروع کند آوردن بازده خوب عموماً آسان‌تر است) و این امر بر نابرابری‌ها تأثیر تشدیدکننده دارد».^۵ «او از این نکته نگران است که بازگشت سرمایه همیشه بزرگ‌تر از نرخ رشد اقتصاد است. علاوه بر این معتقد است که بازده سرمایه کم‌وبیش یک مقدار ثابت و حدود ۴ تا ۵ درصد است؛ به همین دلیل انتظار دارد که رشد همیشه بین ۱ تا ۱/۵ باقی بماند».^۶ آن‌ه در بخش ۱-۲-۱ این مقاله توضیح داده شد و از آن به عنوان چالش میان پیکتی و مارکسیست‌ها یاد شد، در همین جا بروز می‌یابد. اگر مارکسیست‌ها نرخ بازگشت سرمایه را روبه کاهش تلقی می‌کنند، وی این نرخ را مقداری ثابت بین ۴ تا ۵ درصد نظر می‌گیرد که در نهایت با ارتباط منطقی که با نرخ رشد اقتصادی برقرار می‌کند، موجب می‌شود که سهم سرمایه از درآمد ملی، روبه رشد باشد.

حاصل جمع ایده‌های توماس پیکتی تاکنون این است: براساس روابط منطقی موجود، سهم سرمایه از درآمد ملی همواره بیش از سهم نیروی کار از درآمد ملی است و به لحاظ ثابت بودن

۱. همان منبع، ص. ۲۳۸.

۲. آتش بار، توحید و رضا زمانی، خلاصه و نقد «سرمایه در قرن بیست و یکم» توماس پیکتی، چ ۱، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۳، ص. ۸.

۳. کاررونی، علیرضا، حسین اصغرپور و سیروان طیبی، منبع پیشین، ص. ۳۷.

4. Milanovic, Branko, *Op. Cit.*, p. 522.

۵. پیکتی، توماس، منبع پیشین، ص. ۲۹۲.

۶. آتش بار، توحید و رضا زمانی، منبع پیشین، ص. ۹.

درآمد ملی، سرمایه همواره در حال کم کردن سهم نیروی کار از درآمد ملی است و در نتیجه فاصله میان سرمایه و نیروی کار در حال افزایش است. او با اضافه کردن برخی عوامل هم‌گرا و واگرا در رابطه با این فاصله، موجب شکل‌گیری ایده مالیات جهانی می‌شود.

۱.۱.۴. عوامل هم‌گرا و واگرا

نیروهای هم‌گرا و واگرا نیروهایی‌اند که می‌توانند مستقیماً در راستای کاهش یا افزایش فاصله سهم سرمایه از درآمد ملی و نیز سهم نیروی کار از درآمد ملی مؤثر باشند. «مهم‌ترین نیروهای موجود برای هم‌گرایی، توزیع دانش و سرمایه‌گذاری در حوزه‌های آموزش و مهارت‌ورزی می‌باشند. قاعده عرضه و تقاضا و همچنین تحرک سرمایه و نیروی کار که شکل دیگر این قانون است همواره می‌تواند به سمت همگرایی میل کند»^۱. «نیروهای کاهنده نابرابری از نظر پیکتی عبارت‌اند از: ۱- انتشار دانش و مهارت، ۲- تکنولوژی»^۲. به نظر او، «جنگ‌ها و انقلاب‌ها نقشی اساسی در نظریه وی در رابطه با دینامیک نابرابری و تغییر نهادی در قرن بیستم دارد»^۳. از سوی دیگر، وی معتقد است: «فرایندی که از طریق آن ثروت انباشته و توزیع می‌شود، دارای نیروهای قدرتمندی است که آن را به سمت واگرایی سوق می‌دهد یا سطوح بالاتر و شدیدتری از نابرابری را به وجود می‌آورد»^۴. سه عامل کلی واگرایی در این نظریه نیز عبارت‌اند از: ۱- روند جدایی صاحبان بالاترین درآمدها؛ ۲- وجود مدیران شرکت‌ها (تعیین بی‌حد و مرز پاداش)؛ ۳- ثروت موروثی.^۵

برای برخورد با این نیروهای واگراست که او پیشنهاد می‌دهد: «افزار آرمانی در این میان، یک مالیات تصاعدی جهانی بر سرمایه، همراه با شفافیت مالی بین‌المللی بسیار بالا خواهد بود»^۶. راهکار اجرایی این است که مجموعه کشورهای جهان «باید یک جدول مالیاتی به وجود آورند که به همه ثروت‌ها در سراسر جهان قابل اعمال باشد و آنگاه درآمدهای حاصل از آن را به‌طور

۱. همان منبع، ص. ۱۱.

۲. کازرونی، علیرضا، حسین اصغرپور و سیروان طیبی، منبع پیشین، ص. ۲۹.

3. Piketty, Thomas, "Putting Distribution Back at the Center of Economics: Reflections on Capital in the Twenty-First Century", *Journal of Economic Perspectives*, Vol. 29, No. 1, 2015, p. 85.

۴. همان منبع، ص. ۱۷.

۵. پیکتی، توماس، منبع پیشین، صص. ۴۴-۵۰.

۶. همان منبع، ص. ۷۵۱.

هماهنگ بین کشورها تقسیم کنند»^۱. هدف نهایی نیز «باید برقراری یک مالیات سالانه و تصاعدی بر سرمایه فردی اشخاص یعنی بر ارزش خالص دارایی‌هایی که هر فردی در اختیار دارد، باشد»^۲. همچنین «کلان‌ترین ثروت‌ها باید مشمول مالیات‌های سنگین‌تری باشند و همه انواع دارایی، اعم از مستغلات و دارایی‌های غیرمنقول، دارایی‌های مالی و دارایی‌های کسب و کار باید بدون استثنا در این محاسبه منظور شوند»^۳. اگرچه او در نظریات بعدی به ضرورت اخذ مالیات از ارث، توجه بیشتری به عمل آورده است: «دلایل شایسته سالارانه‌ای وجود دارد که بیش از اخذ مالیات از درآمد حاصله یا سرمایه خودساخته که حداقل اشخاص در قبال آن پاسخ‌گو هستند، باید از سرمایه‌ای که به ارث می‌رسد مالیات بگیریم. این امر بر این موضوع تأکید می‌کند که نظام مالیاتی ایدئال باید علاوه بر مالیات تصاعدی بر درآمد و سرمایه، شامل مالیات تصاعدی بر ارث نیز باشد»^۴.

۱.۲. تبیین حقوقی مفهوم مالیات جهانی

ایده مالیات جهانی توماس پیکتی می‌تواند از جهات عمده‌ای بر دانش حقوق به‌ویژه در شاخه حقوق عمومی و زیرشاخه‌های آن (از جمله حقوق بشر، حقوق کار، حقوق انتخاباتی و...) مؤثر باشد. در واقع مالیات جهانی نه صرفاً یک ایده اقتصادی بدون تأثیرات حقوقی، بلکه پدیده‌ای است که در صورت پذیرش آن، می‌توان شاهد تحولات عظیمی در علم حقوق بود. با وجود این، یکی از اموری که باید ابتدا به آن اشاره شود، نحوه ورود این ایده به علم حقوق است. در واقع ما باید در وهله اول به این سؤال پاسخ دهیم که آیا می‌توان محملی یافت که مالیات جهانی در علم حقوق مورد پذیرش قرار گیرد؟ پاسخی که برای این سؤال قابل‌تصور است، از مسیر تعهدات دولت‌ها (چه در قبال جامعه بین‌المللی بدون وجود هرگونه معاهده و چه از طریق معاهده) عبور می‌کند که به شرح ذیل آن را بیان می‌کنیم.

یکی از رشته‌هایی که امروزه هم در حقوق عمومی و هم در حقوق خصوصی و حتی حقوق بین‌الملل مورد بحث قرار می‌گیرد، حقوق اقتصادی^۵ است. حقوق عمومی اقتصادی^۱ یکی از

۱. همان منبع، ص. ۷۵۲.

۲. همان منبع، ص. ۷۵۳.

۳. همان منبع، ص. ۷۵۴.

4. Piketty, Thomas, Emmanuel Saez & Gabriel Zucman, "Rethinking Capital and Wealth Taxation", World Inequality Lab, < Available at: <https://wid.world/news-article/rethinking-capital-and-wealth-taxation/>>, (last visited 02/16/2025).

5. Economic Law

سرفصل‌های علم حقوق عمومی نوین است و در کنار عناوینی چون تحلیل اقتصادی حقوق^۲ و حقوق بین‌الملل اقتصادی^۳ در مسیر پیوند میان حقوق و اقتصاد گام برمی‌دارد. در یک تعریف کلی می‌توان حقوق اقتصادی را مجموعه قواعدی دانست که موضوع فعالیت آن، اقتصاد در مفهوم وسیع آن است. در این نگاه، قواعد مربوط به فعالیت عاملان اقتصادی، سازمان‌دهی بازارهای محصولات و خدمات، بازارهای مالی، توزیع ثروت و مجازات رفتارهای اقتصادی زیان‌آور مورد توجه ویژه قرار می‌گیرد.^۴ در تعریفی که از حقوق عمومی اقتصادی نیز به عمل آمده، می‌توان آن را به معنای «اجرای سیاست‌ها و تدابیر اقتصادی اشخاص اداری به‌وسیله ابزارهای حقوقی» دانست.^۵ در این برداشت، تعیین مالیات از سوی اشخاص اداری به‌وسیله قانون و مقررات، یکی از بخش‌های حقوق عمومی اقتصادی خواهد بود. در دیدی وسیع‌تر، زمینه اجرای حقوق اقتصادی می‌تواند از محدوده یک کشور، خارج و وارد به عرصه بین‌المللی شود. در این صورت ما با حقوق بین‌الملل اقتصادی مواجه خواهیم بود که به موضوعاتی همچون مالکیت و بهره‌برداری از منابع طبیعی، تولید و توزیع کالا، معاملات بین‌المللی غیرمادی با خصوصیت اقتصادی و مالی، پولی و مالی و خدمات مربوط به آنها می‌پردازد.^۶ بنابراین از آنجاکه پول و مالی در زمره امور مربوط به حقوق بین‌الملل اقتصادی محسوب می‌شود، زیرمجموعه‌های مالیه از جمله مالیات، می‌تواند یکی از موضوعات حقوق بین‌الملل اقتصادی فرض شود.

امروزه حقوق بین‌الملل اقتصادی، پیشرفت‌های شایان توجهی را نمایانده است. از جمله این پیشرفت‌ها، تأسیس نهادهای متعدد اقتصادی در سطح جهانی‌اند که به تنظیم و تنسيق امور اقتصادی می‌پردازند و این امر صرفاً از رهگذر حقوق میسر شده است. نهادهایی همچون سازمان تجارت جهانی،^۷ شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد،^۸ کنفرانس تجارت و توسعه

1. Public Economic Law

2. Economic Analysis of Law

3. International Economic Law

۴. قاسمی حامد، عباس، «حقوق اقتصادی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ش. ۷۰، تابستان ۱۳۹۴، ص ۴۷.

۵. زارعی، محمدحسین و روح‌الله مؤذنی، «مفهوم حقوق اقتصادی عمومی در رویکرد فرانسوی»، نشریه تحقیقات حقوقی، ویژه‌نامه ش. ۸، بهار ۱۳۹۱، ص ۴۳۲.

۶. فاکس، هیزل، «تعریف و منابع حقوق بین‌الملل اقتصادی: حقوق بین‌الملل اقتصادی و کشورهای درحال توسعه (۱۹۹۲)»، ترجمه محمدجعفر قنبری چهرمی، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ش. ۲۵ و ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۷۸، ص ۲۴۵.

7. World Trade Organization

8. United Nations Economic and Social Council

سازمان ملل (آنکتاد)^۱، بانک جهانی^۲ و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۳ همگی قابل تعریف ذیل حقوق بین‌الملل اقتصادی‌اند که از طریق معاهدات بین‌المللی پدید آمده و حقوق اقتصادی را در سطح بین‌المللی پیگیری می‌نمایند. بنابراین ایده مالیات جهانی، دارای محملی حقوق خواهد بود؛ اگر معاهدات بین‌المللی لازم در این رابطه شکل گیرد تا این ایده چه از طریق نهادهای موجود و چه از طریق تأسیس نهاد یا نهادهایی جدید، اجرایی شود.

از سوی دیگر، برخی از قواعد در حقوق بین‌الملل، صرف‌نظر از اینکه دولت‌ها در قالب معاهدات به آنها پیوسته باشند یا خیر، قابل اجرا هستند. این نوع تعهدات - که اصطلاحاً تعهدات «Erga Omnes» نامیده می‌شوند- را می‌توان به تعهدات دولت‌ها در قبال جامعه بین‌المللی در کل معنی کرد.^۴ این‌گونه تعهدات به شیوه‌های مختلف می‌توانند بر تابعان حقوق بین‌الملل بار شوند که یکی از بهترین شیوه‌ها در رابطه با موضوع مالیات جهانی، تعهدات دولت‌ها ذیل میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. بند ۱ ماده ۲ این میثاق مقرر می‌دارد: «هر کشور طرف این میثاق متعهد می‌گردد به سعی و اهتمام خود و از طریق همکاری و تعاون بین‌المللی به‌ویژه در طرح‌های اقتصادی و فنی با استفاده از حداکثر منابع موجود خود به‌منظور تأمین تدریجی اعمال کامل حقوق شناخته شده در این میثاق با کلیه وسایل مقتضی به‌خصوص با اقدامات قانون‌گذاری اقدام نمایند». این مقرر محدود نسبتاً گسترده‌ای را فراهم ساخته است که با توسل به آن می‌توان به تعهد بین‌المللی دولت‌ها در راستای ایجاد برابری در دسترسی به حقوق مقرر در میثاق مذکور، اعتقاد داشت. حقوقی از قبیل حق بر داشتن سطح زندگی کافی (ماده ۱۱)، حق بر سلامت جسمی و روحی (ماده ۱۲)، حق بر آموزش و پرورش رایگان (ماده ۱۳) و... مستلزم استفاده دولت‌ها از منابع مالی کافی است که در صورت اجرا شدن مالیات جهانی، این امر قابل تحقق است. بنابراین چنانچه ضرورت اخذ مالیات جهانی در سطح بین‌المللی به‌عنوان لازمه دسترسی به نسل دوم حقوق بشر، مورد پذیرش قرار گیرد، در این صورت رعایت مالیات جهانی نیز می‌تواند به‌عنوان یک تعهد Erga Omnes برای تمام دولت‌ها لازم تلقی شود.

1. UNCTAD: United Nations Conference on Trade and Development

2. World Bank

3. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

۴. شریفی، محسن، «دیوان بین‌المللی دادگستری و تعهدات Erga Omnes»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۲، ش. ۴، زمستان ۱۳۸۷، ص ۱۰۳۱.

پس از بیان نحوه ورود مالیات جهانی به علم حقوق، می‌توانیم از تأثیرات این ایده بر موضوعات حقوقی نیز سخن بگوییم. به‌عنوان مثال حقوق اساسی در کنار تبیین شیوه‌های عقلایی حکمرانی، در رابطه با نحوه مراجعه به آرای مردمی نیز سخن می‌گوید. این موضوع عموماً از طریق طرح مباحث مرتبط در حقوق انتخاباتی صورت می‌گیرد. حقوق انتخاباتی نیز به نوبه خود در پی برآوردن برخی اهداف است که گزافه نیست اگر ما عدالت انتخاباتی را به‌عنوان مهم‌ترین آنها معرفی کنیم. از عناصر ضروری تحقق عدالت انتخاباتی نیز شفاف و قابل تبیین بودن هزینه‌های انتخاباتی است. از آنجاکه مفهوم مالیات جهانی با پیشنهاد اخذ مالیات از سرمایه، از ارزش ثروت سرمایه‌داران می‌کاهد، بنابراین هزینه‌هایی که از سوی این اشخاص برای پیروزی نامزدهای موردنظر خود نیز صورت می‌گیرد، کاهش می‌یابد و بدین طریق با نزدیک شدن سطوح هزینه‌های انتخاباتی نامزدهای مدنظر سرمایه‌داران و سایر افراد مواجه می‌شویم. اگرچه برخی نیز برخلاف این عقیده، بر این نظرند که اخذ مالیات بر مصرف^۱ به‌جای مالیات بر سرمایه، گزینه مناسب‌تری برای این هدف محسوب می‌شوند؛ زیرا «با استفاده از مالیات بر مصرف، می‌توان با تعریف کمک‌های سیاسی به‌عنوان مصرف، سطح دیگری از مالیات را اضافه کرد؛ به‌طوری که هم عمل کمک مالی و هم هزینه‌های وجوه پرداختی مشمول مالیات شوند»^۲.

۲. انتقادات از نظریه مالیات جهانی

پس از ابراز ایده مالیات جهانی از سوی توماس پیکتی، نظریات متفاوتی در خصوص این ایده بیان شد. برخی از این ایده‌ها مقدمات استدلال این اندیشمند را مورد پذیرش قرار می‌دهند و برخی دیگر از اساس، با نظریه وی مخالفت می‌ورزند. از همین رو انتقادات مطرح شده در دو بخش ارائه می‌شود.

۲.۱. انتقادات مبتنی بر پذیرش مقدمات استدلال پیکتی و رد نتایج حاصل از آن

شیء لینگ هسو،^۳ استاد حقوق در کالج دانشگاهی ایالت فلوریدا آمریکا، با پذیرش رابطه بیشتر بودن همواره نرخ بازده سرمایه نسبت به نرخ رشد اقتصاد، با ایده نیروهای واگرایی مدنظر

1. Consumption tax

2. Auerbach, Alan J, "Was Piketty right to call for a wealth tax?", < Available at: <https://www.weforum.org/stories/2015/03/was-piketty-right-to-call-for-a-wealth-tax/>, (last visited 08/15/2025)

3. Shi-Ling Hsu

توماس پیکتی مخالف است. به نظر او، «پیکتی و تمام طرفداران و منتقدان او یک قطعه بزرگ از پازل را [در مقام پاسخ‌گویی به علت وجود رابطه بیشتر بودن همواره نرخ بازده سرمایه نسبت به نرخ رشد اقتصاد] گم کرده‌اند: نقش قانون در توزیع ثروت»؛^۱ زیرا «در رابطه مذکور، قانون در مقام افزایش نرخ بازده سرمایه، بسیار مؤثرتر از افزایش نرخ رشد اقتصادی بوده است».^۲ علت این موضوع از نظر هسو این است که «افزایش و حمایت از نرخ بازده سرمایه بسیار راحت است. یارانه‌های دولتی، برخورد مساعد مالیاتی و حمایت قانونی از مداخلات تنظیم‌گرانه، بخش محدودی از روش‌های بسیاری است که قانون‌گذاران از طریق آن روش‌ها، از بازگشت سرمایه قشر خاصی از صاحبان سرمایه خصوصی حمایت و آن را تقویت کنند».^۳ به نظر این نویسنده، چنانچه قوانینی را که موجب افزایش بازده سرمایه خصوصی و انتقال مؤثر ثروت از اشخاص فقیرتر به ثروتمندتر می‌شود، بتوان شناسایی و اصلاح کرد، از نیاز به مالیات بر ثروت جهانی که مورد پیشنهاد پیکتی است می‌توان اجتناب کرد.

هسو به این منظور برخی از قوانین فدرال و ایالت‌های ایالات متحده آمریکا را به‌عنوان نمونه بیان می‌کند. این نویسنده در حوزه تنظیم‌گری مالی، از قانون مدرنیزه کردن معاملات آتی^۴ کالا مصوب ۲۰۰۰ که از تعدادی معاملات مالی فرعی، مقررات‌زدایی کرد یا تصویب برنامه نهاد نظارت تلفیقی^۵ در سال ۲۰۰۴ از سوی کمیسیون ارز و اوراق بهادار آمریکا^۶ (SEC) که الزامات نگهداری سرمایه توسط بانک‌های سرمایه‌گذار را تسهیل می‌کند، نام می‌برد.^۷ او همچنین «یارانه‌های بنزین و گاز»^۸، «قاعده اولویت یا معافیت از قانون جدید»^۹ و «تنظیم‌گری

1. Hsu, Shi-Ling, "The Rise and Rise of the One Percent: Considering Legal Causes of Wealth Inequality", Emory L. J. Online, < Available at: <https://scholarlycommons.law.emory.edu/elj-online/22>>, (last visited 02/16/2025), p. 2047.

2. Ipid, p. 2048.

3. Ipid, p. 2048.

4. Commodity Futures Modernization Act

5. Consolidated Supervised Entity program

6. The U.S. Securities and Exchange Commission

7. Ipid, p. 2051.

8. Oil and Gas Subsidies

9. Ipid, p. 2056.

10. Grandfathering

11. Ipid, p. 2058.

سودمند حوزه برق^۱ را به‌عنوان زمینه‌های دیگر صعودی بودن نرخ رشد بازگشت سرمایه از نرخ رشد اقتصادی ذکر می‌کند.

۲.۲. انتقادات مبتنی بر رد اصل نظریه پیکتی

پائول کرون^۲، استاد حقوق دانشگاه پرداین^۳، با انتقاد از نظریات پیکتی و هسو راه‌حل جدیدی را ارائه می‌کند. به نظر او: «توماس پیکتی شکل غم‌انگیز و متقاعدکننده‌ای از نابرابری فزاینده‌ای را به تصویر کشید که ناشی از نرخ بیشتر بازگشت سرمایه خصوصی است. شیء لینگ هسو نیز دریچه‌ای به این پرسش مهم گشود که چگونه حقوق و نهادهای قانونی در افزایش نرخ بازگشت سرمایه خصوصی مشارکت می‌جویند. اما هیچ‌کدام از این دو نظریه، راه‌حل قابل دسترسی در کوتاه‌مدت به‌منظور اصلاح نابرابری آزردهنده و مشکلات مالی ارائه نمی‌دهند. نظام مالیاتی برای افزایش مالیات از ثروتمندان می‌تواند هر دو مشکل را اصلاح نماید»^۴.

همچنین به عقیده کریس گیلز^۵ «داده‌هایی که زیربنای کتاب ۵۷۷ صفحه‌ای پروفیسور پیکتی است... حاوی یک‌سری اشتباهات است که یافته‌های او را منحرف می‌کند... ملاحظه اصلی پروفیسور پیکتی این است که نابرابری سرمایه به سطحی که آخرین بار قبل از جنگ جهانی اول مشاهده شده بود، درحال بازگشت است. تحقیقات این ادعا را تضعیف می‌کند و نشان می‌دهد که شواهد کمی در منابع اصلی پروفیسور پیکتی برای اثبات این نظریه وجود دارد که سهم فزاینده‌ای از کل ثروت در اختیار چند ثروتمند است...»^۶.

۳. مالیات جهانی در عرصه اجرا

نظریه پیکتی به‌عنوان یک نظریه اقتصادی مورد بحث‌های متفاوتی قرار گرفته است که برخی از آنها ذکر شد. ولی صرف‌نظر از اینکه آیا انتقاداتی که به نظریه پیکتی وارد شده، صحیح

1. Electric Utility Regulation

2. *Ipid*, p. 2062.

3. Paul L. Caron

4. Pepperdine

5. Caron, Paul L., "Thomas Piketty and Inequality: Legal Causes and Tax Solutions", Emory L. J. Online, < Available at: <https://scholarlycommons.law.emory.edu/elj-online/27>>. (last visited 02/16/2025), p. 2083.

6. Chris Giles

7. Giles, Chris, "Piketty findings undercut by errors", < Available at: <https://www.ft.com/content/e1f343ca-e281-11e3-89fd-00144feabdc0>>, (last visited 11/2/2024).

است یا خیر، و با فرض صحت نظریات وی، باید به این سؤال پاسخ گوئیم که مالیات جهانی قابلیت اجرایش را داراست یا خیر. چنانچه وجود یک رابطه نابرابری بین نرخ رشد اقتصادی و نرخ بازده سرمایه وجود داشته باشد و در صورتی که راهکار برهم زدن چنین نابرابری، اخذ مالیات تصاعدی بر سرمایه باشد، ابهاماتی در زمینه نحوه اجرایی شدن چنین مالیاتی وجود خواهد داشت که به شرح ذیل به آنها خواهیم پرداخت.

۳.۱. فقدان یک توافق همگانی

باتوجه به اینکه مالیات جهانی باید در سطح جهان اجرا شود، در نتیجه سطح اجرای آن فراتر از دولت‌هاست. در مالیات‌های رایج که امروزه با آن مواجهیم، مالیات در درون یک کشور معنا و به فرایندهایی اختصاص می‌یابد که در سطح یک دولت خاص انجام و آن کشور خاص از آن بهره‌مند و یا از آن متأثر می‌شود. در نهایت اینکه یک دولت قادر باشد بر معاملاتی که اتباع آن کشور در بیرون از کشور می‌نمایند نیز نظارت و مالیات اخذ نماید. اما در مالیات جهانی، نیرویی بالاتر و قوی‌تر از دولت‌ها نیازمند است که بتواند اجرای این‌گونه مالیات را تضمین کند؛ درحالی که اولاً در حال حاضر چنین نیرویی وجود ندارد و ثانیاً توافقی در سطح جهان برای ایجاد این نهاد تاکنون شکل نگرفته است. اگرچه ایجاد برخی نهادهای جهانی در سالیان اخیر همچون FATF^۱ که «به منظور حفظ حقوق جامعه بین‌المللی، سازوکارهای نظارتی پیچیده‌ای را برای تضمین رعایت مقررات خود ایجاد کرده و از طرفی، تضمین‌ها و واکنش‌های نهادینه‌شده‌ای را نسبت به نقض آن مقررات پیش‌بینی نموده است»^۲ یا آنچه توسط گروه G20 با همکاری OECD^۳ برای اخذ مالیات از شرکت‌های چندملیتی شکل گرفته است، می‌تواند گام‌های اولیه یا نغمه‌های آغازین یک سرود جهانی در این خصوص باشند.^۴

1. Financial Action Task Force

۲. حبیبی، حبیب‌الله و شهرام زرنشان، «نقش و جایگاه گروه ویژه اقدام مالی (FATF) در نظام حقوق بین‌الملل»، مجله پژوهش‌های حقوقی، د. ۲۰، ش. ۴۵، ۱۴۰۰، ص. ۳۱۳.

3. Organisation for Economic Co-operation and Development

۴. توافق‌نامه‌ای که در این خصوص شکل گرفته، با هدف جلوگیری از جابه‌جایی سرمایه در کشورهای مختلف مربوط به شرکت‌های چندملیتی برای فرار از پرداخت مالیات یا پرداخت مالیات با کمترین نرخ بوده است. برای کسب اطلاعات بیشتر در خصوص روند اجرایی شدن این توافق‌نامه ر.ک.:

<https://www.oecd.org/en/topics/sub-issues/global-minimum-tax.html>

باتوجه به اینکه اخذ مالیات- در هر سطحی- نیازمند حساسی و بررسی معاملات و درآمدها و هزینه‌هاست، مالیات جهانی نیز از این موضوع مستثنا نیست. از آنجاکه در این نوع از مالیات باید درآمدها و هزینه‌های هر شخص (اعم از حقیقی و حقوقی) در سطح جهان محاسبه شود و این امر نیازمند بررسی همه‌جانبه در سطح جهان و وجود یک نهاد واحد برای تجمیع اطلاعات موجود و تعیین مالیات هر شخص به صورت مجری است تا بتوان از اخذ مالیات مضاعف یا حتی فرار مالیاتی جلوگیری کرد. همچنین انجام چنین محاسباتی مستلزم حضور کارمندان بسیار و دستگاه‌های اداری عریض و طویلی است که امکان اداره چنین نهادی را فراهم نمایند. اگرچه با پیشرفت‌های بشر در زمینه هوش مصنوعی و نیز وجود شرکت‌های بزرگی که در زمینه IT فعالیت می‌کنند، شاید بتوان از ضرورت حضور کارمندان و کارکنان متعدد کاست، به یقین چنین نهادی باید همواره فعال و در حال اخذ اطلاعات و بررسی و نتیجه‌برداری از آنها باشد که اداره چنین نهادی، خود می‌تواند چالش تلقی شود. مشکل مضاعف این است که باید در خصوص نحوه شکل‌گیری چنین نهادی و اعضای تشکیل‌دهنده آن، توافق و اجماعی در سطح جهان شکل گیرد که این امر نیز چالش‌برانگیز است.

۳.۲. فقدان ضمانت اجرای بین‌المللی لازم

در صورت شکل‌گیری یک توافق همگانی و نیز ایجاد نهاد بین‌المللی لازم برای اخذ مالیات جهانی، مسئله بعدی ایجاد یک ضمانت اجرای لازم برای الزام همگان به اجرای این توافق‌نامه بین‌المللی است. باتوجه به اینکه این توافق در حیطه حقوق بین‌الملل شکل می‌گیرد و محدودیت‌هایی که در زمینه ضمانت‌اجرای حقوق بین‌الملل وجود دارد، اجرای مالیات جهانی بدون حل مسئله ضمانت اجرای مختص به آن، امکان‌ناپذیر است. این معضل می‌تواند ناشی از حقوق بین‌الملل موجود باشد که ویژگی‌های مختص به خود را داراست؛ از جمله اینکه «حقوق بین‌الملل به دولت‌ها تحمیل نمی‌شود و در جامعه جهانی هیچ قانون‌گذار بین‌المللی وجود ندارد». بنابراین اینکه آیا مالیات جهانی قابلیت اجرایی را نیز پیدا می‌کند یا نه، به میزان پایبندی اطراف توافق بر اخذ مالیات جهانی وابسته است.

برخلاف مقررات دیگری که در حقوق بین‌الملل وجود دارد و گاه تخطی از آن از سوی تابعان حقوق بین‌الملل مشاهده می‌شود، در مالیات جهانی امکان فرض وجود یک تخلف که بدون

مجازات لازم، باقی بماند وجود ندارد؛ زیرا پویایی و کارآمدی مالیات جهانی نیازمند اجرای آن در سطح جهان و به صورت همگانی است. در حال حاضر ضمانت‌اجراهای حقوق بین‌الملل در «روش‌ها و اقدامات خودیاری»، «اجرای تحریم‌های اقتصادی»، «توسل به زور»، «فشار افکار عمومی» و «مقابله به مثل و اقدامات متقابل» منحصر است؛^۱ لیکن چنانچه یک دولت علی‌رغم پیوستن به توافق جهانی و عضویت در نهاد بین‌المللی متناظر این توافق، حاضر به اجرای کلی یا جزئی این قرارداد نشود، ضمانت‌اجرایی لازم در این خصوص چیست؟ این سؤال از جمله سؤالاتی است که برای به اجرا درآوردن مالیات جهانی باید به آن پاسخ داد.

راه‌حل توماس پیکتی که در آخرین اثر مکتوب خود با عنوان «تاریخ مختصر برابری»^۲ (۲۰۲۲) ارائه شده، تمهید یک «حاکمیت جهانی‌گرا»^۳ است. به نظر وی، هر جامعه سیاسی باید بتواند شرایطی را برای تجارت با سایر نقاط جهان تعیین کند، بدون اینکه منتظر بماند تا با همه شرکای خود به توافق برسد. پیکتی اهداف چنین حاکمیتی را جهانی‌گرا و بین‌المللی‌گرا معرفی می‌کند و آن را این‌گونه می‌پندارد که «با مشخص کردن معیارهای عدالت اجتماعی و مالیاتی و زیست‌محیطی می‌تواند به‌روشنی یکسان برای همه کشورها اعمال شود».^۴ از آنجاکه در حال حاضر ما با چنین حاکمیتی روبه‌رو نیستیم، براساس نظر پیکتی باید تقریباً همه‌چیز را ابداع کرد.

۳.۳. وجود بهشت‌های مالیاتی

بهشت مالیاتی به محلی اطلاق می‌شود که امکان فرار مالیاتی را برای مجرمین مالیاتی فراهم می‌آورد. چنانچه برخی از کشورهای جهان به توافق همگانی برای اخذ مالیات جهان نپیوندند، در این صورت آن کشورها به‌صورت بالقوه می‌توانند یک بهشت مالیاتی برای اخذ مالیات جهانی تلقی شوند. همچنین در صورتی که اطلاعات در سطح بین‌المللی به‌خوبی جمع‌آوری نشود و امکان پنهان کردن اطلاعات وجود داشته باشد، در این صورت مالیات جهانی

۱. والاس، ربکا و مارتین آرتگا، **حقوق بین‌الملل**، ترجمه سید قاسم زمانی و مهناز بهرام‌لو، ج ۵، تهران: شهر دانش، ۱۳۹۴، صص. ۳۰-۳۱.

2. A Brief History of Eequality

3. Universalist Sovereignism

۴. پیکتی، توماس، **تاریخ مختصر برابری**، ترجمه حسین راغفر و کبری سنگری مهدب، ج ۱، تهران: نشر نو، ۱۴۰۲، ص. ۲۷۶.

می‌تواند با چالش مواجه شود. یکی از معضلاتی که پیش‌روی مالیات جهانی می‌تواند قرار گیرد، معاملات مبتنی بر رمزارزهاست که عموماً ثبت نمی‌شوند و غیرقابل ردیابی‌اند. از همین روی این‌گونه معاملات نیز ممکن است به‌عنوان پیش‌زمینه یک بهشت مالیاتی برای اخذ مالیات جهانی تلقی شوند. برخورد مناسب با این شیوه‌های فرار از پرداخت مالیات از ضروریات اجرای مالیات جهانی است.

در این خصوص، به نظر می‌رسد استفاده از راهکارهای شفافیت^۱ می‌تواند به‌عنوان اهرم مؤثری برای برخورد با بهشت‌های مالیاتی تلقی شود. از این‌گونه راهکارها سابقاً به‌هنگام تصویب قانون اشتغال آفرینی آمریکا^۲ معروف به قانون مشاغل استفاده شده است. براساس هدف‌گذاری که در این قانون صورت گرفته بود، مراجع قانونی بیشتر به‌دنبال کنترل پناهگاه‌های مالیاتی^۳ بودند.^۴ یکی از روش‌های مدنظر در این قانون، افزایش جواز مالیاتی برای شفافیت هرچه بیشتر مالیات‌دهندگان بود.^۵ همچنین گزارش کشور به کشور،^۶ ابزاری حیاتی برای ارتقای شفافیت مالیاتی و مهار اجتناب مالیاتی^۷ از سوی شرکت‌های چندملیتی است.^۸ این گزارش از سوی OECD در راستای به اجرا درآوردن مالیات جهانی از شرکت‌های چندملیتی منتشر می‌شود و مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۹ پژوهش اخیرالذکر نیز به نقل از اُورس^{۱۰} و وُلف^{۱۱} این پیشنهاد را بیان می‌نماید که گزارش کشور به کشور عمومی، می‌تواند به‌عنوان یک ابزار سیاسی اضافی برای کاهش اجتناب

1. Transparency

2. American Jobs Creation Act, 2004.

3. Tax Shelters

۴. منظور از پناهگاه مالیاتی هرگونه ترتیبات مالی برای اجتناب از پرداخت مالیات یا کاهش آن است.

۵. ایدی، سعیدرضا، «تنظیم مشارکتی مالیات، الگویی جدید در نظام مالیاتی ایالات متحده آمریکا»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، د. ۱۸، ش. ۷۱، ۱۳۹۴، ۲۱۹.

6. Country-by-Country Reporting (CbCR)

7. Tax Avoidance

8. Atadoga, Joy O., Joseph K. Nembe, Noluthando Z. Mhlongo, Adeola O. Ajayi-Nifise, Odeyemi Olubusola, Andrew I. Daraojimba, & Bisola B. Oguejiolor, "CROSS-BORDER TAX CHALLENGES AND SOLUTIONS IN GLOBAL FINANCE", *Finance & Accounting Research Journal*, Vol. 6, No. 2, 2024, p. 255.

۹. جهت کسب اطلاعات بیشتر در این خصوص ر.ک.:

OECD, Country-by-country reporting for tax purposes, < Available at: <https://www.oecd.org/en/topics/sub-issues/country-by-country-reporting-for-tax-purposes.html>>, (last seen at 10/05/2024).

10 Overesch

11. Wolff

مالیاتی شرکت‌ها استفاده شود. این گزارش به‌ویژه زمانی مؤثر است که فعالیت‌های به‌منظور اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را مورد نظارت عمومی قرار می‌دهد.^۱

۳.۴. عدم امکان تقسیم مالیات اخذ شده در جهان به‌نحو منصفانه

در صورت فرض اینکه مالیات جهانی به شیوه صحیح قابل اجرا باشد و مالیات در سطح جهانی بتواند از اشخاص اخذ شود، در این صورت در خصوص نحوه تقسیم مالیات در جهان نیز باید اتخاذ تصمیم شود. اگر هدف مالیات جهانی کاهش فاصله میان سرمایه‌داران و سایر اقشار در سطح جهان است، بنابراین راه‌حل اختصاص مالیات اخذ شده از اتباع هر کشور به آن کشور، راه‌حل مناسبی نیست؛ چراکه عموماً ابرسرمایه‌داران در کشورهای با سطح درآمدی بالاتر زندگی می‌کنند و اگر قرار بر اختصاص مالیات این اشخاص به همان کشورها باشد، در این صورت کشورهای کمتر برخوردار همچنان نسبت به کشورهای با سطح درآمدی بالاتر، فاصله سطح درآمدی معناداری را تجربه می‌کنند و در نتیجه اخذ مالیات جهانی، به کاهش فاصله میان اقشار کشورهای با سطح درآمدی بالاتر و اقشار کشورهای با سطح درآمدی پایین‌تر کمک نمی‌کند. همچنین در خصوص شرکت‌های چندملیتی و نحوه تقسیم مالیات اخذ شده از آنها باید مذاقه شود؛ چه اینکه ممکن است شرکتی در یک کشور به ثبت رسیده باشد در حالی که سهام‌داران اصلی آن شرکت، تابعیت کشور یا کشورهای دیگری را داشته باشند. لازمه دسترسی به یک برابری در استفاده از مزایای مالیات جهانی از نظر پیکتی، «جست‌وجوی مداوم برای ائتلاف‌های بین‌المللی» است و نیاز است که «مجامع فراملی را توصیف کنیم که در حالت آرمانی، کالاهای عمومی جهانی و سیاست‌های مشترک عدالت مالیاتی و زیست‌محیطی به آنها سپرده شود».^۲ نکته‌ای که در خصوص این مجامع بین‌المللی ضروری به نظر می‌رسد، بنا شدن آنها بر مبنای و پایه‌های عادلانه است؛ زیرا آنچه امروزه در برخی از مجامع جهانی دیده می‌شود، تفوق و برتری برخی قدرت‌های جهانی بر دیگر کشورها - همچون تفوق و برتری پنج کشور عضو دائم شورای

1. *op. cit.*, p. 255.

۲. پیکتی، توماس، منبع پیشین، ص. ۲۷۷.

امنیت در استفاده از حق وتو علی‌رغم انتقادات موجود^۱ است و در صورت تداوم این اوضاع، نمی‌توان به مثمرتر واقع شدن مالیات جهانی و حصول نتایج آن از جمله حرکت به سمت برابری در جهان، خوش‌بین بود.

۳.۵. شمول یا عدم شمول مالیات جهانی بر معاملات مالی دولت‌ها

پیکتی در یک دسته‌بندی، مالکیت اشخاص در جهان را به چهار بخش تقسیم کرده است: ابزار تولید، مسکن، دولت و بقیه جهان.^۲ منظور پیکتی از ابزار تولید، مواردی همچون زمین، تجهیزات کشاورزی، کارخانه‌ها و به‌صورت کلی، تمام کالاهای لازم برای تولید سایر کالاها و خدمات است. همچنین منظور وی از مالکیت دولت، مواردی همانند مالکیت بر اوراق قرضه دولتی، وجود بدهی عمومی و فروش اموال در اختیار دولت، وابسته‌شدن دولت به اعتباردهندگان خود و در نهایت تحت‌تأثیر سیاست‌ها و سایر «اصلاحات» مصوب است.^۳ «بعد از ابزار تولید و مسکن و دولت، دیگر شکل غالب دارایی مالکیت سایر نقاط جهان است؛ یعنی دارایی‌های نگهداری‌شده در کشورهای خارجی».^۴

با این توصیف، مالکیت انسان بر دولت یا تأثیراتی که از سوی «اعتباردهندگان» به‌ویژه اعتباردهندگان خصوصی بر دولت گذاشته می‌شود، می‌تواند یکی از عوامل مهم کسب درآمد تلقی گردد. اگر هدف از مالیات جهانی، کاهش فاصله سطوح درآمدی سرمایه‌داران و سایر اقشار باشد، در این صورت نباید مشخص شود در کشورهایی که دولت در فعالیت‌های تصدی‌گری به‌صورت ویژه‌ای فعالیت دارد و در نتیجه می‌تواند در قالب یک سرمایه‌دار بزرگ در آن کشور در نظر گرفته شود، آیا دولت نیز مشمول مالیات جهانی خواهد بود یا خیر؟ این موضوع به آن علت می‌تواند قابل توجه باشد که ممکن است برخی از سرمایه‌داران برای در امان ماندن از مالیات جهانی، فعالیت خود را به امور دولتی معطوف یا از طریق دولت اقدام نمایند و از این طریق سعی

۱. برای مطالعه برخی از این انتقادات ر.ک.: رجبی، سعید، سیدباقر میرعباسی و سهراب صلاحی، «بررسی رویه‌های تحدید حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل متحد»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، د. ۲۵، ش. ۹۹، ۱۴۰۱، صص. ۴۰-۱۱.

۲. پیکتی، توماس، منبع پیشین، ص. ۴۱.

۳. همان منبع، ص. ۴۶.

۴. همان منبع، ص. ۴۷.

در حفظ سرمایه خود نمایند. از سوی دیگر، اگر دولت‌ها مشمول مالیات جهانی باشند، ممکن است کشورهایی با این ادعا که اخذ مالیات جهانی از دولت‌ها در نحوه خدمت‌رسانی و عملکرد حاکمیت مؤثر است، از پیوستن به توافق برای اخذ مالیات جهانی یا اجرایی کردن این توافق، سر باز زنند. به همین دلیل است که ایجاد یک تعادل میان اخذ مالیات جهانی از دولت‌ها یا معافیت آنها از پرداخت مالیات جهانی، ضرورت دارد.

۳.۶. عدم حصول برابری در صورت فقدان سایر شرایط برابری ساز

برابری مفهومی است که ورای مالیات جهانی پنهان شده است. اساس طرح این ایده، کاهش نابرابری در جهان است؛ چراکه همان‌گونه که پیکتی اذعان داشته است، حرکت به سوی برابری در کلیه اشکال آن (اجتماعی، آموزشی، فرهنگی، سیاسی) روندی مداوم است که هرگز به کمال و انجام نخواهد رسید.^۱ بنابراین سیری که مالیات جهانی می‌تواند طی بکند، صرفاً کاهنده وضعیت مشدد نابرابری معاصر و حرکت به سمت ایجاد برابری اقتصادی است؛ لیکن این ایده عاجز از دسترسی به برابری در تمام عرصه‌هاست. بدین‌منظور وی لزوم ایجاد یک حاکمیت مبتنی بر سوسیالیسم دمکراتیک، مشارکتی، فدرالی، زیست‌محیطی و چند فرهنگی را از لوازم حصول برابری تلقی می‌کند که ایده مالیات جهانی نیز در درون چنین حالتی، امکان حصول و تحقق را دارا خواهد شد.^۲ این حاکمیت مستلزم وجود شهروندان فعال نیز است. به نظر پیکتی «صرفاً بسیج‌های قدرتمند اجتماعی که مورد حمایت جنبش‌ها و سازمان‌های جمعی باشند به ما اجازه خواهند داد تا اهداف مشترک را تعریف و رابطه قدرت را دگرگون کنیم».^۳

نتیجه‌گیری

مالیات جهانی نظریه‌ای است که از سوی توماس پیکتی بیان شده و در قبال آن، اظهارنظرهای متفاوتی صورت گرفته و نظریات متعددی را نیز در برداشته است. این نظریه مبتنی بر سه پیش‌فرض است: ۱- حاصل ضرب «نسبت سرمایه ملی به درآمد ملی» در نرخ

۱. همان منبع، ص. ۲۱.

۲. همان منبع، ص. ۲۵۷.

۳. همان منبع، ص. ۲۷۸.

ضرورت اخذ مالیات جهانی به شیوه‌های مختلف مورد انتقاد نیز قرار گرفته است. از جمله این انتقادات ادعای اشتباه بودن داده‌هایی است که توماس پیکتی به‌استناد آن‌ها نتایجی را حاصل و در نهایت نظریه مالیات جهانی را ارائه نموده است. انتقاد دیگر غیرقابل فرض بودن امکان برداشت پیکتی از ضرورت مالیات جهانی براساس داده‌هایی است که به آن استناد کرده است. شی لینگ هسو با فرض صحیح بودن برداشتهای پیکتی، نهادهای حقوقی و برخی قوانین خاص را به‌عنوان عامل نابرابری معرفی و از آنها انتقاد می‌کند. از سوی دیگر، برخی نیز به غیرقابل اجرا بودن نظریه توماس پیکتی در کوتاه مدت اشاره داشته‌اند و ضرورت دارد که برای درک درست از مفهوم مالیات جهانی، به این انتقادات پاسخ مناسب داده شود.

گذشته از انتقاداتی که به نظریه توماس پیکتی وارد است، در صورتی که نظریه مالیات جهانی را به همان صورت که ارائه شده بپذیریم، برای اجرا آن با موانعی مواجهیم که ضروری است این موانع با راهکارهای مناسب، مرتفع شوند. از جمله این معضلات می‌توان به: فقدان یک توافق همگانی، فقدان یک نهاد بین‌المللی کارآمد برای اجرای توافق جهانی، فقدان ضمانت اجرایی‌های بین‌المللی لازم، وجود بهشت‌های مالیاتی، عدم امکان تقسیم مالیات اخذشده در جهان به‌نحو منصفانه و شمول یا عدم شمول مالیات جهان بر معاملات مالی دولت‌ها اشاره داشت. مالیات جهانی در صورت عبور از نظریه، مراحل دشواری در راه اجرا شدن را تجربه خواهد کرد و برای اجرا کردن این نظریه، راه درازی در پیش داریم.

منابع

کتاب

۱. آتش بار، توحید و رضا زمانی، خلاصه و نقد «سرمایه در قرن بیست و یکم»
توماس پیکتی، چ ۱، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۳.
۲. پیکتی، توماس، سرمایه در سده بیست و یکم، ترجمه ناصر زرافشان، چ ۴، تهران:
مؤسسه انتشارات نگاه، ۱۴۰۱.
۳. پیکتی، توماس، تاریخ مختصر برابری، ترجمه حسین راغفر و کبری سنگری مهذب، چ
۱، تهران: نشر نو، ۱۴۰۲.
۴. والاس، ربکا و مارتین آرتگا، حقوق بین‌الملل، ترجمه سیدقاسم زمانی و مهناز بهرام‌لو، چ ۵،
تهران: شهر دانش، ۱۳۹۴.

مقاله

۵. ابدی، سعیدرضا، «تنظیم مشارکتی مالیات، الگویی جدید در نظام مالیاتی ایالات متحده
آمریکا»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، د. ۱۸، ش. ۷۱، ۱۳۹۴، صص. ۲۰۷-۲۲۳.
https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56215.html
۶. حبیبی، حبیب‌الله و شهرام زرنشان، «نقش و جایگاه گروه ویژه اقدام مالی (FATF) در نظام
حقوق بین‌الملل»، مجله پژوهش‌های حقوقی، د. ۲۰، ش. ۴۵، ۱۴۰۰، صص. ۲۹۹-۳۲۲.
DOI: 10.48300/jlr.2021.129442.
۷. رجبی، سعید، سیدباقر میرعباسی و سهراب صلاحی، «بررسی رویه‌های تحدید حق وتو در
شورای امنیت سازمان ملل متحد»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، د. ۲۵، ش. ۹۹، ۱۴۰۱، صص.
۴۰-۱۱.
DOI: 10.29252/jlr.2022.221941.1911.
۸. رستمی، ولی، فاطمه محمدی و مسعود رنجبر، «بررسی حقوقی نقش مالیات بر توسعه سیاسی
و دموکراسی»، نشریه مطالعات حقوق عمومی، د. ۴۷، ش. ۳، ۱۳۹۶، صص. ۶۰۱-۶۲۰.
DOI: 10.22059/jpls.2017.211787.1305.
۹. زارعی، محمدحسین و روح‌الله مؤذنی، «مفهوم حقوق اقتصادی عمومی در رویکرد فرانسوی»،
فصلنامه تحقیقات حقوقی، ویژه‌نامه شماره ۸، بهار ۱۳۹۱، صص. ۴۲۷-۴۶۲.

https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56794.html

۱۰. سرخوش سرا، علی، خدیجه نصراله‌ی، کریم آذربایجانی و رسول بخشی دستجردی، «تحلیل عوامل مؤثر بر نابرابری درآمدی در ایران در چارچوب دیدگاه‌های توماس پیکتی: رویکرد خود توضیح برداری ساختاری»، فصلنامه علمی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، د. ۱۰، ش. ۳۹، ۱۳۹۹، صص. ۲۹-۵۴. DOI: 10.30473/egdr.2019.46719.5227.

۱۱. شریفی، محسن، «دیوان بین‌المللی دادگستری و تعهدات Erga Omnes»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۲، ش. ۴، زمستان ۱۳۸۷، صص. ۱۰۳۱-۱۰۵۱.

https://fp.ipisjournals.ir/article_9686.html

۱۲. فاکس، هیزل، «تعریف و منابع حقوق بین‌الملل اقتصادی: حقوق بین‌الملل اقتصادی و کشورهای درحال توسعه (۱۹۹۲)»، ترجمه قنبری جهرمی، محمدجعفر، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۲۵ و ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۷۸، صص. ۲۳۱-۲۶۰.

https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56893.html

۱۳. قاسمی حامد، عباس، «حقوق اقتصادی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۷۰، تابستان ۱۳۹۴، صص. ۳۱-۵۶.

https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56329.html

۱۴. کازرونی، علیرضا، حسین اصغریور و سیروان طیبی، «تأثیر رشد کند اقتصادی بر نابرابری توزیع درآمد: با تأکید بر فرضیه توماس پیکتی»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، د. ۲۰، ش. ۱، ۱۳۹۹، صص. ۲۳-۵۰.

DOI: [20.1001.1.17356768.1399.20.1.1.2](https://doi.org/10.1001.1.17356768.1399.20.1.1.2).

References

Books

1. Atashbar, Tohid & Reza zamani, **Summary and Critique of Thomas Piketty's "Capital in the Twenty-First Century"**, 1st edition, Tehran: Research Center of the Islamic Consultative Assembly, 2014. (In Persian)
2. Piketty, Thomas, **A Brief History of Equality**, translated by Raghfar, Hossein & Kobra Sangari Mahzab, 1st edition, Tehran: Nashre No, 2023. (In Persian)
3. Piketty, Thomas, **Capital in the Twenty-First Century**, translated by Zarafshan, Nasser, 4th edition, Tehran: Negah Publishing Institute, 2022. (In Persian)
4. Wallace, Rebecca & Martin Ortega, **International Law**, Zamani translation, Seyyed Ghasem & Mahnaz Bahramlou, 5th edition, Tehran: Shahr Danesh, 2015. (In Persian)

Articles

5. Abadi, Saeed Reza, "Participatory Tax Regulation, a New Model in the United States Tax System", *Legal Research Quarterly*, Vol. 18, No. 71, 2015, PP. 207-223. (In Persian)
https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56215.html
6. Atadoga, Joy O., Joseph K. Nembe, Noluthando Z. Mhlongo, Adeola O. Ajayi-Nifise, Odeyemi Olubusola, Andrew I. Daraojimba, & Bisola B. Oguejiofor, "Cross-Border Tax Challenges and Solutions in Global Finance", *Finance & Accounting Research Journal*, Vol. 6, No. 2, 2024, PP.252-261, DOI: <https://doi.org/10.51594/farj.v6i2.823>
7. Fox, Hazel, "Definition and Sources of International Economic Law: International Economic Law and Developing Countries (1992)", translated by Ghanbari Jahromi, Mohammad Jafar, *Legal Research Journal*, No. 25 & 26, Spring & Summer 1999, PP. 231-260. (In Persian)
https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56893.html
8. Ghasemi Hamed, Abbas, "Economic Law", *Legal Research Journal*, No. 70, Summer 2015, PP. 31-56. (In Persian)
https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56329.html
9. Habibi, Habibollah & Shahram Zarneshan, "The Role and Status of the Financial Action Task Force (FATF) in the International Legal System",

- Journal of Legal Studies, Vol. 20, No. 45, 2021, PP. 299-322. (In Persian)
DOI: 10.48300/jlr.2021.129442
10. Kazerouni, Alireza, Hossein Asgharpour & Sirvan Tayyibi, "The Effect of Slow Economic Growth on Income Distribution Inequality: With Emphasis on Thomas Piketty's Hypothesis", *Quarterly Journal of Economic Research* (Sustainable Growth and Development), Vol. 20, No. 1, 1399, PP. 23-50. (In Persian) DOI: 20.1001.1. 17356768. 1399.20.1.1.2.
 11. Milanovic, Branko, "The Return of "Patrimonial Capitalism": A Review of Thomas Piketty's Capital in the Twenty-First Century", *Journal of Economic Literature*, Vol. 52, No. 2, 2014, PP. 127-144, DOI: 10.1257/jel.52.2.519.
 12. Overesch, M., & H. Wolff, "Financial Transparency to the Rescue: Effects of Public Country-by-Country Reporting in the European Union Banking Sector on Tax Avoidance". *Contemporary Accounting Research*, Vol. 38, No. 1, 2021, PP. 1616-1642, DOI:10.1111/1911-3846.12669.
 13. Piketty, Thomas, "Putting Distribution Back at the Center of Economics: Reflections on Capital in the Twenty-First Century", *Journal of Economic Perspectives*, Vol. 29, No. 1, 2015, PP. 67-88, DOI: 10.1257/jep.29.1.67.
 14. Rajabi, Saeed, Seyed Bagher Mir Abbasi & Sohrab Salahi, "A Study of Procedures for Limiting the Veto Right in the United Nations Security Council", *Quarterly Journal of Legal Studies*, Vol. 25, No. 99, 2022, PP. 11-40. (In Persian) DOI: 10.29252/jlr.2022.221941.1911
 15. Rostami, Vali, Fatemeh Mohammadi & Masoud Ranjbar, "A Legal Study of the Role of Taxation on Political Development and Democracy", *Journal of Public Law Studies*, Vol. 47, No. 3, 2017, PP. 601-620. (In Persian) DOI: 10.22059/jplsq.2017.211787.1305
 16. Sarkhosh Sara, Ali, Khadijeh Nasrollahi, Karim Azarbajjani & Rasoul Bakhshi Dastjerdi, "Analysis of Factors Affecting Income Inequality in Iran within the Framework of Thomas Piketty's Views: A Structural Self-Explanation Approach", *Quarterly Journal of Economic Growth and Development Studies*, Vol. 10, No. 39, 2019, PP. 29-54. (In Persian) DOI: 10.30473/egdr.2019.46719.5227.

17. Sharifi, Mohsen, "The International Court of Justice and Erga Omnes Obligations", *Quarterly Journal of Foreign Policy*, Year 22, No. 4, Winter 2008, PP. 1031-1051. (In Persian)
https://fp.ipisjournals.ir/article_9686.html
18. Zarei, Mohammad Hossein & Moazani, Ruhollah, "The Concept of Public Economic Law in the French Approach", *Journal of Legal Research*, Special Issue No. 8, Spring 2012, PP. 427-462. (In Persian)
https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56794.html

Online Resources

19. Auerbach, Alan J, "Was Piketty right to call for a wealth tax?" <Available at: <https://www.weforum.org/stories/2015/03/was-piketty-right-to-call-for-a-wealth-tax/>>, (last visited 08/15/2025).
20. Caron, Paul L., "Thomas Piketty and Inequality: Legal Causes and Tax Solutions", Emory L. J. Online, <Available at: <https://scholarlycommons.law.emory.edu/elj-online/27>>. (last visited 02/16/2025).
21. Giles, Chris, "Piketty findings undercut by errors", <Available at: <https://www.ft.com/content/e1f343ca-e281-11e3-89fd-00144feabdc0>>, (last visited 11/2/2024)
22. Hsu, Shi-Ling, "The Rise and Rise of the One Percent: Considering Legal Causes of Wealth Inequality", Emory L. J. Online, <Available at: <https://scholarlycommons.law.emory.edu/elj-online/22>>, (last visited 02/16/2025).
23. OECD, Country-by-country reporting for tax purposes, <Available at: <https://www.oecd.org/en/topics/sub-issues/country-by-country-reporting-for-tax-purposes.html>>, (last seen at 10/05/2024).
24. OECD, Global Minimum Tax, <Available at: <https://www.oecd.org/en/topics/sub-issues/global-minimum-tax.html>>, (last seen at 10/04/2024).
25. Piketty, Thomas, Emmanuel Saez & Gabriel Zucman, "Rethinking Capital and Wealth Taxation", World Inequality Lab, <Available at: <https://wid.world/news-article/rethinking-capital-and-wealth-taxation/>>, (last visited 02/16/2025).

Global Taxation: Concept and Assessment

Saeedreza Abadi*

Mohammad Mahdi Shirazi**

Received: 2025.09.29

Accepted: 2025.03.12

Abstract

Thomas Piketty's proposal of a global tax has sparked various debates and theories. Assuming an inequality between the rate of return on capital and the rate of economic growth, Piketty believes that the share of capital in national income is increasing and that a solution must be provided for this issue, and as a result, he presents the idea of a global tax. In this article, by using a descriptive-analytical method, we seek to express the concept of global taxation from the perspective of Thomas Piketty, criticize his theory, and examine how to implement it. The result is that, in order to be implemented, global tax needs to address issues such as the lack of a global agreement, the lack of necessary international enforcement guarantees, the existence of tax havens, the impossibility of distributing the tax collected in the world fairly, the inclusion or exclusion of a global tax on the financial transactions of governments, and the insufficiency of a global tax to achieve equality in the absence of other equalizing conditions.

Keywords:

Global Taxation, Thomas Piketty, Public Economic Law, Capital, Development

* Associate Professor, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
Corresponding Author Email: s_abadi@sbu.ac.ir

** PhD Candidate, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی